

## The Function of Social Tawhid in the Political Philosophy of Islam from the Perspective of the Qur'an: With Emphasis on the Thoughts of Ayatollah Khamenei

Mohammad Arab Salehi<sup>1</sup>, Farideh Pishvae<sup>2</sup>

<sup>1</sup> Professor, Department of Logic of Understanding Religion, Research Institute for Islamic Culture and Thought, Tehran, Iran. [arabsalehi@iict.ac.ir](mailto:arabsalehi@iict.ac.ir)

<sup>2</sup> Level 4, Masoumeh Seminary Institute of Higher Education, Qom, Iran (Corresponding author). [f.pishvae@dte.ir](mailto:f.pishvae@dte.ir)

### Abstract

The present study examines the function of social tawhid (monotheism) in the political philosophy of Islam from the perspective of the Qur'an, with an emphasis on the thoughts of Ayatollah Khamenei. A social reading of tawhid has various functions, some of which can be traced in its influence on applied philosophies. Given the new political equations at the international level and the absence of Qur'an-based theoretical foundations in the political-social domain, this study seeks to answer the question: based on the Qur'an and with an emphasis on the thoughts of Ayatollah Khamenei, what function does social tawhid serve in the three aspects of the foundations, objectives, and issues of politics? This study employs a library research method, focusing on Qur'anic verses centered on tawhid, analyzing their political implications, and examining the ideas of Ayatollah Khamenei. The findings indicate that in terms of foundations, social tawhid establishes the legitimacy of the Islamic government. Accordingly, the exclusive right of God in legislative authority and governance serves as a counter to contemporary forms of shirk (polytheism). Regarding the objective of social tawhid, the primary goals of establishing a divine government are to construct an ideal monotheistic society, ensure social spirituality, and guide society toward perfection. In the realm of political issues, the functions of social tawhid include unifying obedience to the Wali al-Amr (Guardian of the Affairs), collective will and action against tyrants and centers of oppression, defending the oppressed regardless of geographical or ideological boundaries, advocating for national and human freedom, and valuing political unity among nations. The conclusion is that social tawhid provides a suitable framework for transforming pre-existing issues in the philosophy of Islamic politics, laying the groundwork for divine governance, and ensuring servitude and social spirituality.

**Keywords:** Social Tawhid, Political Philosophy of Islam, Qur'an, Ayatollah Khamenei, Government.

Received: 2024-03-16 ; Received in revised form: 2024-04-06 ; Accepted: 2024-06-01 ; Published online: 2024-06-22

<https://doi.org/10.22034/sm.2024.563376.1950>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



## کارکرد توحید اجتماعی در فلسفه سیاست اسلام از منظر قرآن با تأکید بر اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای

محمد عرب‌صالحی<sup>۱</sup>، فریده پیشوایی<sup>۲</sup> 

<sup>۱</sup> استاد، گروه منطق فهم دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران. arabsalehi@iict.ac.ir

<sup>۲</sup> سطح ۴ حوزه، موسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه، قم، ایران (نویسنده مسئول). f.pishvae@dtc.ir

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی کارکرد توحید اجتماعی در فلسفه سیاست اسلام از منظر قرآن با تأکید بر اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای است. خوانش اجتماعی از توحید، کارکردهای مختلفی دارد که بخشی از آن، در اثرگذاری در فلسفه‌های مضاف قابل پیگیری است. نظر به معادلات سیاسی جدید در سطح بین‌الملل و خلاء مبانی نظری قرآن‌نویان در حوزه‌های سیاسی-اجتماعی، پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سوال است که براساس قرآن و با تأکید بر اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای، توحید اجتماعی در سه بخش مبانی، غایات و مسائل امر سیاست، چه کارکردی دارد؟ این مطالعه با روش کتابخانه‌ای، و تمرکز بر آیات توحیدمحور و کشف دلالات سیاسی آنها و تحلیل اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای، انجام شده است. یافته‌ها نشان داد در بخش مبانی، توحید اجتماعی منشأ مشروعیت حکومت اسلامی را ثابت می‌کند. بر این اساس، روی دیگر انحصار حق تشریعات سیاسی به خداوند، مبارزه با شرک جدید در دنیای معاصر است. در بخش هدف توحید اجتماعی، تلاش جهت ساختن جامعه آرمانی توحیدی، تأمین معنویت اجتماعی و رساندن جامعه به کمال را مهم‌ترین اهداف تشکیل حکومت الهی معرفی می‌کنند. یکپارچه کردن اطاعت از ولی امر، اراده و اقدام جمعی برای مضاف با طاغوت‌ها و کانون‌های ظلم، دفاع از مظلومان فارغ از مرزهای جغرافیایی و عقیدتی، آزادی ملت‌ها و انسان‌ها و ارزش‌گذاری بر آن و وحدت سیاسی ملت‌ها، کارکردهای توحید اجتماعی در مسائل سیاست است. نتیجه آنکه توحید اجتماعی ظرفیت مناسبی در تحول مسائل پیشینی فلسفه سیاست اسلام دارد و زمینه‌های حاکمیت امر و تدبیر الهی و تأمین عبودیت و معنویت اجتماعی را فراهم می‌سازد.

**واژه‌های کلیدی:** توحید اجتماعی، فلسفه سیاست اسلام، قرآن، آیت‌الله خامنه‌ای، حکومت.

**استاد به این مقاله:** عرب‌صالحی، محمد؛ پیشوایی، فریده (۱۴۰۳). کارکرد توحید اجتماعی در فلسفه سیاست اسلام از منظر قرآن با تأکید بر اندیشه‌های

آیت‌الله خامنه‌ای. *سیاست متعالیه*، ۱۲(۲): ۴۱-۵۸. <https://doi.org/10.22034/sm.2024.563376.1950>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۶؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۱/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۲؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۰۲

© the authors

<http://sm.psas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



## ۱. مقدمه

اصل اعتقادی توحید که آموزه بنیادین و مشترک تمام ادیان الهی است، از منظر مصلحان نواندیش مسلمان ماهیتی ذاتاً اجتماعی داشته که بنا به دلایلی، این ماهیت اجتماعی و به تبع آن دلالات و الزامات سیاسی آن تا حدّ زیادی از نظر اندیشمندان مسلمان مغفول مانده است. مطالعات نشان می‌دهد عمده مباحث علمی موجود در زمینه توحید، بازتولید رویکردهای کلامی، فلسفی و عرفانی پیشینیان به توحید است، از این رو یکی از پروژه‌های نواندیشان دینی معاصر از جمله استاد مطهری، آیت‌الله خامنه‌ای، مهندس مهدی بازرگان، آیت‌الله سید محمود طالقانی، دکتر علی شریعتی و شاگردان آنان در عرصه نواندیشی دینی، افزون بر طرح اسلام اجتماعی-سیاسی، بسط مبحث توحید، از توحید فردی به توحید اجتماعی-سیاسی بود (قطبی، ۱۴۰۰: ج ۱، ص ۳۱). توحید فلسفی به معنای عدم پذیرش «خداوندی خود» و توحید اجتماعی-سیاسی را می‌توان به معنای عدم پذیرش فرعونیت و «خدایی کردن»‌های انسان‌های دیگر و اطاعت مطلق از مکاتب و ایدئولوژی‌ها در نظر گرفت (همان: ص ۳۲-۳۳، ۵۷). در این میان آیت‌الله خامنه‌ای از جمله اندیشمندانی هستند که سال‌ها پیش، به شکل بدیع و نوآورانه، با تمرکز بر آیات قرآن در مقاله «روح توحید، نفی عبودیت غیر خدا» و مجموعه سخنرانی‌هایی که در کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن»، گردآوری شده، توحید را به عنوان دکترین اجتماعی معرفی کردند که ناظر به تمام سطوح، ابعاد و لایه‌های زندگی اجتماعی و فردی است. این رویکرد، ثمرات قابل توجه و تحوّل‌بخشی در ساحت‌های علمی و عملی مختلف خواهد داشت؛ که البته بررسی تمام ابعاد آن، نیازمند پروژه‌ای گسترده و از مجال این نوشتار خارج است، بدین جهت پژوهش حاضر به صورت خاص به تأثیر توحید اجتماعی در فلسفه سیاست اسلام پرداخته و با نگاه برون‌نگر و کلی درصدد پاسخ به این سؤال است که خوانش اجتماعی از توحید براساس آیات قرآن و اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای، چه تأثیری در فلسفه سیاست می‌گذارد؟

ضرورت این بحث در معادلات و روابط سیاسی جدید در سطح بین‌الملل و نیز لزوم پاسخ‌گویی علوم انسانی اسلامی به مسائل و شبهات نوپدید اجتماعی-سیاسی قابل رهگیری است. آیت‌الله خامنه‌ای در اهمیت اسلامی‌سازی علوم انسانی بر مبنای قرآن می‌فرماید: «اساتید و صاحب‌نظران و پژوهشگران و محققین باید به دنبال تدوین علوم انسانی منطبق با مبانی اسلام بروند؛ یعنی علوم انسانی که براساس فلسفه‌های نادرست و غلط مادی شکل نگرفته باشد؛ همچنان که امروز علوم انسانی غربی این جور است. بالأخره اگر علوم سیاسی یا اقتصادی یا فلسفه یا مدیریت و بقیه علوم انسانی، مبتنی بر نگرش مادی به دنیا، باشد و با ارزش‌های مادی بنا شده باشد، طبعاً نمی‌تواند خواسته‌ها و آرمان‌های جامعه‌ای را که مسلمان و

مؤمن به معارف اسلامی هستند، برآورده کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۰۵/۳۱). تبیین و ترویج گفتمان توحید اجتماعی و مؤلفه‌های آن براساس فهم اجتماعی از آیات توحیدمحور، می‌تواند افق کار را روشن ساخته، متولیان این امر را یاری رساند و مبادی، مبانی، هدف و کارکرد این علوم را متقح سازد. اصلی‌ترین مبنای این علوم، توحید با رویکرد اجتماعی است؛ چراکه خداوند، معبودی نیست که تنها متکفل امور غیردنیایی باشد، بلکه بازگشت همه امور اخروی و دنیوی به اوست: «وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ» (زخرف: ۸۴). علامه طباطبایی معتقد است معارف الهی فلسفی، و اخلاق فاضله، و قوانین دینی فرعی، از جمله عبادت‌ها، و معاملات، و امور سیاسی - اجتماعی و تمام معارف اسلامی براساس فطرت و اصل توحید بنا شده و نه تنها متعرض کلیات و مهمات مسائل است، بلکه جزئی‌ترین مسائل را نیز متعرض شده، به گونه‌ای که تفصیل و جزئیات آن، بعد از تحلیل، به توحید برمی‌گردد، و اصل توحید بعد از تجزیه به همان تفصیل، بازگشت می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۰، ص ۱۳۶-۱۳۷). در مورد پیشینه آثار پژوهشی با محوریت فلسفه سیاست در اسلام، در این زمینه پژوهش‌های متعددی در قالب کتاب یا مقالات علمی منتشر شده‌اند؛ از جمله کتاب «فلسفه سیاست» (نوروزی، ۱۴۰۱)، «مبانی سیاست از منظر قرآن» (عابدی، ۱۴۰۰)، مقاله «مبانی فلسفه سیاسی اسلام از دیدگاه مقام معظم رهبری» (حاجی صادقی، ۱۳۸۵) و مقاله «فلسفه سیاست اسلامی» (بهرزولک، ۱۳۸۵ الف).

در بخش مبانی خداشناختی این تألیفات یا استدلال‌ها، با نگاه کاربردی به توحید، و تکیه بر صفات منحصر به فرد الهی مانند خالقیت و مالکیت یا تقسیم توحید به ربوبی و تشریحی، به تأثیرگذاری توحید اعتقادی در فلسفه سیاست پرداخته شده است. در برخی موارد نیز مانند کتاب «مبانی سیاست از منظر قرآن» تا حدودی به تأثیرات توحید اجتماعی در فلسفه سیاست نزدیک شده‌اند؛ اما به دلیل عدم نگرش اجتماعی و جامع به توحید و غفلت از ماهیت اجتماعی آن، برخی تأثیرات توحید با رویکرد اجتماعی در فلسفه سیاست در آثار موجود، همچنان مغفول مانده است. همچنین مقالات معدودی که در زمینه توحید اجتماعی به رشته تحریر درآمده‌اند، مانند «بررسی و تحلیل انتقادی دیدگاه دکتر شریعتی در باب توحید اجتماعی» (پورعباس، ۱۳۹۸)؛ «تحلیل و بررسی ابعاد معرفتی جامعه توحیدی در اندیشه دکتر علی شریعتی» (بوذری‌نژاد و زرع‌پیما، ۱۴۰۰) و مقاله «دکترین «توحید اجتماعی» اندیشه‌ای بنیادین در تکامل هندسه توحیدی و تعالی معنوی موحدان» (پورعباس و ابراهیم‌نژاد، ۱۳۹۸) اساساً به کارکرد این قرائت از توحید و تأثیر آن در فلسفه علوم انسانی و مصادیق آن مانند فلسفه سیاست ورود نکرده‌اند. این امر، ضرورت این پژوهش و همچنین پرداختن به تأثیر توحید اجتماعی در فلسفه سایر علوم انسانی مانند علم اقتصاد، علوم تربیتی و علم حقوق را

روشن می‌سازد. پژوهش حاضر درصدد است پس از تبیین مفهوم توحید اجتماعی و فلسفه سیاست اسلام، در راستای بیان کارکردهای توحید اجتماعی، تأثیرات خاص خوانش اجتماعی از توحید در محورهای مهم فلسفه سیاست اسلام را نشان دهد.

## ۲. مفاهیم پژوهش

### ۱-۲. توحید اجتماعی

ماهیت، تعریف و مؤلفه‌های توحید اجتماعی که بازفهم و خوانش جدید و اجتماعی از آموزه اعتقادی توحید است، در آثار پیشین مؤلفان پژوهش حاضر تشریح شده<sup>۱</sup>، اما به مناسبت موضوع این پژوهش، اجمالاً لازم به ذکر است که توحید اجتماعی، این اصل را از انحصار به اعتقاد فردی و قلبی، به وحدانیت خداوند در ساحت‌های نظری عبودی، ربوبی، افعالی و صفاتی خارج ساخته و با نگاه تعهدآورانه و عمل‌زا و پویا به توحید، ربوبیت و عبودیت مطلق خداوند را در تمام احکام کلی و جزئی زندگی انسان آشکار می‌کند و هرگونه سیادت و فرمانروایی اعم از حاکمیت سیاسی، اجتماعی، علمی، فرهنگی، اقتصادی غیر الله را به چالش می‌کشد. توحید اجتماعی، ضمن تکیه بر تحلیل ذهنی و نظری توحید، با هویت‌بخشی اجتماعی به گزاره‌های دین با رویکرد تمدنی همراه با عقلانیت اجتماعی، در پی یکپارچگی و انسجام همگانی در پذیرش وحدانیت خداوند در حاکمیت، و نفوذ احکام و فرامین الهی و پویایی و حضور واقعی آن در زندگی اجتماعی-سیاسی انسان‌هاست. توحید اجتماعی، هم ابعاد فردی و اجتماعی توحید عملی و هم توحید عبادی را شامل می‌شود. توحید اجتماعی، توحید عبودی را در ساختار و نظام کلی جامعه سرایت می‌دهد و در جای‌جای زندگی اجتماعی و فردی انسان حاکم می‌کند.

آیت‌الله خامنه‌ای در تشریح ماهیت اجتماعی توحید می‌فرماید: «توحید تنها نظریه‌ای فلسفی و ذهنی و غیرعملی نیست که به هیچ وجه کار به سیاه و سفید زندگی نداشته باشد و دست به ترکیب اجتماعات بشری نزند و در تعیین جهت‌گیری‌های انسان و تلاش و عمل بایسته او دخالت نکند و فقط به این اکتفاء نماید که باوری را از مردم بازگیرد و باوری دیگر به جای آن بنشانند، بلکه از سویی یک جهان‌بینی است ... و از سوی

۱. ر.ک: «توحید اجتماعی»، ماهیت، تعریف و نسبت آن با «توحید اعتقادی»، محمد عرب‌صالحی و فریده پیشوایی، قسبات، شماره ۱۰۴، ۱۴۰۱؛ «مؤلفه‌های «توحید اجتماعی» در قرآن با تأکید بر اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای، مطالعات تفسیری قرآن کریم، شماره ۸، ۱۴۰۱.

دیگر یک دکترین اجتماعی است؛ طرح و ترسیمی است از شکل محیط متناسب انسان؛ محیطی که وی می‌تواند در آن به سهولت و سرعت، رشد کند و به تعالی و کمال ویژه خود نایل آید. پیشنهاد قواره و قالبی مخصوص است برای جامعه با تعیین خطوط اصلی و اصول بنیانی آن (خامنه‌ای، ۱۳۵۶: ص ۶۸). براساس آیات قرآن، پذیرش ربوبیت الهی (توحید ربوبی) با رویکرد ایجابی (حمد: ۱؛ صافات: ۱۸۲؛ زمر: ۷۵؛ یونس: ۱۰؛ رعد: ۱۶؛ صافات: ۱۲۶) و نفی هرگونه عبودیت غیر الله (توحید عبودی) با رویکرد سلبی (اسراء: ۲۳؛ یس: ۶۰؛ هود: ۲۶؛ انبیاء: ۶۷؛ نحل: ۳۶)، دو مؤلفه اصلی توحید اجتماعی می‌باشند. این دو مؤلفه اصلی، مطابق آیات قرآن، به زیرشاخه‌هایی تقسیم می‌شوند؛ هدف‌داری خلقت و مسؤولیت‌زایی نسبت به جامعه و عالم هستی (آل عمران: ۱۹۱؛ بقره: ۱۵۶؛ ۳۰؛ احزاب: ۷۲)، پذیرش حاکمیت مطلق الله در تمام ابعاد زندگی اجتماعی و فردی (انعام: ۵۷)، جهت‌گیری اعمال و عواطف، به سوی الله (انعام: ۱۶۲-۱۶۳؛ هود: ۴۱)، زیرمجموعه مؤلفه توحید ربوبی‌اند؛ و نفی حکومت طاغوت‌ها و لزوم تشکیل نظام الهی (توبه: ۳۱؛ مریم: ۸۱)، نفی هرگونه انحصارطلبی و امتیازخواهی (زخرف: ۳۱؛ هود: ۲۷؛ مریم: ۸۸-۹۳) و نفی تئوری‌های غیرالهی (انعام: ۱۶۱)، زیرمجموعه مؤلفه توحید عبودی به‌شمار می‌روند. این موارد نه از لوازم توحید، که در ذات توحید، وجود دارند و بدون هر یک گوشه‌ای از توحید دچار نقصان می‌گردد.

## ۲-۲. فلسفه سیاست اسلام

برای روشن شدن مراد از فلسفه سیاست اسلام باید گفت، فلسفه‌های مضاف گاه مضاف به علوم بوده، گاه مضاف به امور. امور و هستومندهای دیگر (غیرعلم‌ها) آنگاه متعلق فلسفه قرار می‌گیرند و موجب تکون یکی از فلسفه‌های مضاف می‌شوند که مسائل آن به اندازه‌ای بسط یافته باشد که فحص و بحث عقلانی درباره احکام کلی آنها به لحاظ کیفی و کمی، قابلیت ساماندهی در حد و قالب یک دانش را پیدا کرده باشد (رشاد، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۳۶). در این راستا، فلسفه سیاست که در زمره فلسفه مضاف به امر یا همان حقیقت خارجی به‌شمار می‌آید، یکی از مباحث پراهمیتی است که بررسی نقش توحید اجتماعی در آن، تحولات یا تقریرات جدیدی در برخی محورهای آن ارائه خواهد داد. به صورت کلی، فلسفه سیاسی درصدد کشف و تبیین حقایق سیاسی و بررسی عقلانی مسائل کلان آن است. فیلسوف سیاسی برخلاف متکلم سیاسی، درصدد بررسی حقایق است و دغدغه او اثبات یا دفاع از آموزه‌های دینی، به هر روش ممکن نیست و تنها به روش عقلی، به بررسی پدیده‌های سیاسی می‌پردازد (بهروزلک، ۱۳۸۸: ص ۳۹). غرض از فلسفه سیاست اسلام نیز، تفکر فلسفی درباره سیاست با توجه به پیش‌فرض‌های مورد قبول اسلام است (بهروزلک، ۱۳۸۵: ج ۲، ص ۲۷۸).

بر این اساس، اگر امر سیاست را ناظر به اداره جامعه، حکمرانی و مطالعه کنش‌های سیاسی بدانیم، فلسفه سیاست، بخشی از دانش سیاسی و مطالعه پیشینی و کل‌نگر است که با تحلیل عقلی و به شکل نظام‌مند به کاوش در مباحث کلی، مفاهیم، پیش‌فرض‌های تأثیرگذار و مسائل و موضوعات مرتبط به حکومت، حاکم، قانون و مردم (شهروندان) می‌پردازد. در فلسفه سیاست اسلام، سخن از مباحث مختلفی به میان آمده و چنانکه گذشت، طبیعتاً در آن مباحث، آموزه اعتقادی توحید، نقش آفرین بوده است و واضح است که توحید نظری صرف هم به خودی خود تأثیراتی در فلسفه سیاست دارد، اما آنچه در این نوشتار مدنظر است، تبیین آثار توحید اجتماعی بر فلسفه و مباحث کلی و پیشینی سیاست اسلام است، و نه مطلق توحید. کارکردهای توحید اجتماعی در سه ساحت مبانی (فلسفه)، غایات (هدف) و مسائل امر سیاست، به شرح زیر است:

### ۳. کارکرد توحید اجتماعی در مبانی فلسفه سیاست

خوانش اجتماعی از توحید در دو محور از مبانی فلسفه سیاست نقش دارد:

#### ۳-۱. توحید اجتماعی، منشاء مشروعیت حکومت اسلامی

منشاء مشروعیت<sup>۱</sup> حکومت اسلامی، یعنی حکومتی که اذن الهی دارد و مجرای خاص اعمال ولایت الهی است، به توحید اجتماعی بازگشت می‌کند. لازم به ذکر است گرچه محققان غالباً در این مسأله به اصل اعتقادی توحید اشاره داشته‌اند، اما بیشتر تحلیل‌های ارائه شده، با تکیه بر صفات خداوند همچون خالقیت، مالکیت و... بوده است. گاه نیز بدون نام بردن از توحید اجتماعی و بر مبنای توحید ربوبی یا تشریحی، بر اساس ماهیت اجتماعی توحید - که معتقدیم ماهیت اصلی و ذاتی توحید است - بر حجیت و مشروعیت حکومت اسلامی استدلال شده است؛ بنابراین، براساس تعریف یادشده از توحید اجتماعی که پیش از این گذشت و نیز بررسی سیره پیامبران الهی، به ویژه پیامبر اسلام (ص) و واقعیت‌های گزارش‌شده تاریخی از آن دوران، می‌توان این امر را دقیق‌تر و مستدل‌تر تبیین کرد. توضیح آنکه، محوری‌ترین شعار مشترک تمام انبیای الهی در برابر فرعون‌ها و پادشاهانی که با ادعای خدایی حکمرانی می‌کردند، تأکید بر ربوبیت مطلق خداوند: «إِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (اعراف: ۱۰۴) و شعار «لا اله الا الله»، بود. تأمل در جمله «لا اله الا الله»، نشان می‌دهد دلالت این آیه گسترده‌تر از اعتقاد به معبود بودن خداوند و پرستش او در شکل عبادات مرسوم فردی یا جمعی مانند نماز و... است. به تعبیر سید قطب، یک عرب آگاه به زبان خود، می‌فهمد «لا اله الا

۱. به معنای مصطلح سیاسی و نه صرفاً اصطلاح دینی. منظور توجیه عقلانی حاکمیت و آمریت و حجیت آن است.

الله»، یعنی هیچ حاکمیتی جز حاکمیت خدا و هیچ شریعتی جز شریعت خدا مقبول نیست و نباید انسان‌ها بر یکدیگر سلطنت نمایند؛ چون سلطنت کردن، خاص خدا است (قطب، بی‌تا: ص ۱۷) و تنها حکومتی مشروع است که منتسب به الله باشد. لازمه این امر، نفی تمام حکومت‌های غیرالهی است: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ» (لقمان: ۳۰)؛ این، به خاطر آن است که خداوند حق است؛ و آنچه را غیر از او می‌خوانند باطل است؛ و خداوند بلندمقام و بزرگ است!

به بیان دقیق‌تر، جوهره و طبیعت توحید، نفی هرگونه خودکامگی و استقلال قدرت‌ها در برابر خداوند است و علت مخالفت سرسختانه دشمنان انبیای الهی، این بود که محتوای دعوت پیامبران از همان ابتدای بعثت، بر مبنای حاکمیت مطلق خداوند و نفی حکومت اشراف و اعلان و مشروع نبودن سلطه آنان بر جامعه شکل گرفت. به گفته سید قطب اگر دعوت به اسلام، گام‌های نخست خود را به صورت یک دعوت قومی یا دعوت اجتماعی و دعوت اخلاقی برمی‌داشت و یا پرچم دیگری را در کنار یگانه پرچم خود، یعنی «لا اله الا الله» برمی‌افراشت، هیچ‌گاه برنامه اسلام نمی‌توانست یک برنامه خالص خداوندی باشد (قطب، بی‌تا: ص ۲۳).

آیت‌الله خامنه‌ای در این باره می‌فرماید: «لا اله الا الله» منشأ اثر است، منشأ عمل است. همین دولت اسلامی که در مدینه به وجود آمد، ناشی از «لا اله الا الله» است؛ یعنی حکومت جز به دست خدای متعال و مبعوثین خدا، در ادیان الهی معنی ندارد؛ برای همین هم به مجردی که پیامبر (ص) فرمود: «قولوا لا اله الا الله تُفْلِحُوا»، صاحبان زر و زور در همان محیط محدود و کوچک مکه در مقابل او صف‌آرایی کردند؛ بعد در مدینه که دولت اسلامی تشکیل شد، باز حکومت‌ها و امپراتوری‌ها و قدرت‌های جهانی در مقابل اسلام صف‌آرایی کردند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۰۱/۲۵). نوآوری انقلاب اسلامی ایران، در درک توحید با رویکرد اجتماعی بهتر تبیین می‌شود: «انقلاب اسلامی حرف نویی را به میان آورد؛ حرف نویی که می‌توانست در دنیای افکار عمومی، به‌خصوص در دنیای اسلام، برای خود جا باز کند. قسمت اعظم این حرف نو، توحید بود؛ با معنای عمیق و دقیق و همه‌جانبه آن. توحید یعنی حاکمیت ارزش‌های الهی بر جامعه و نفی حکومت‌های طاغوتی، استبدادی، فاسد و طغیانگر بر ارزش‌های انسانی و اصیل. بنابراین، توحید ستون فقرات و رکن اساسی شعار اسلامی و پیام انقلاب اسلامی بود» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۰۷/۲۲). افزون‌بر تحلیل‌های مبتنی بر توحید اعتقادی، با نگاه اثربخش، جهت‌دهنده و زندگی‌ساز به توحید و محدود ندانستن کارکردهای توحید به امور اعتقادی و فردی است که می‌توان حکومت منصوب به خداوند یگانه را مشروع دانست. زمانی که توحید را شیوه‌ای برای عمل کردن و زندگی کردن و تضمین‌کننده سعادت دنیوی و

اخروی، و هرگونه اطاعت از غیر الله را شرک بدانیم: «وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ» (انعام: ۱۲۱)، هر حکومتی غیر از حکومتی که اذن الهی داشته باشد، غیر مشروع است و هرگونه همراهی و یا سکوت در مقابل چنین حکومتی نیز به منزله زیر پا گذاشتن اصل توحید و در تضاد با آن است.

### ۳-۲. انحصار حق تشریحات سیاسی به خداوند و مبارزه با شرک جدید دنیای معاصر

با توجه به انحصار مطلق و بدون قید ربوبیت و عبودیت در خداوند - که دو مؤلفه اصلی توحید اجتماعی به‌شمار می‌روند- در همه سطوح کلی و جزئی و ابعاد و ساحت‌های مختلف زندگی انسان، از یک طرف اعتقاد به یگانگی خداوند و لوازم آن از ساحت‌های فردی و شخصی، خارج شده و به دلیل اطلاق آن، حق تشریح و قانون‌گذاری سیاسی، جهت اداره جامعه اختصاصاً در خداوند منحصر می‌شود و از طرف دیگر شرک و بت‌پرستی که در دنیای معاصر از شکل اولیه پرستش چوب و سنگ خارج شده و به شکل جدیدی ظهور کرده و مصادیق جدیدی یافته است، نفی می‌شود؛ برای مثال بنا بر اعتقاد انسان مشرک، پیروزی و یاری‌رسانی به واسطه خدایان ساختگی صورت می‌گیرد: «وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يَنْصُرُونَ» (یس: ۷۴)؛ که امروزه می‌توان مصادیق متعددی برای آن برشمرد. در نگاهی عمیق، تمایل یا اعتقاد به حاکمیت هر نوع قدرت سیاسی - مذهبی غیر الهی، می‌تواند جلوه جدیدی از شرک‌ورزی باشد. امام خمینی می‌فرماید: «از این اصل (توحید) ما معتقدیم که قانون‌گذاری برای بشر تنها در اختیار خدای تعالی است، همچنان که قوانین هستی و خلقت را نیز خداوند مقرر فرموده است. سعادت و کمال انسان و جوامع، تنها در گرو اطاعت از قوانین الهی است که توسط انبیاء به بشر ابلاغ شده است (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۵، ص ۳۸۷).

بنابراین، اگر رأی مردم را بر حکم خدا ترجیح دهیم، عملاً خدا را نپرستیده‌ایم و تابع فرمان او نبوده‌ایم و ربوبیت تشریحی خداوند را زیر پا گذاشته‌ایم، که این عمل با توحید منافات دارد. دموکراسی غربی به معنای بی‌نیازی از احکام دین و بسنده کردن به آرای جمعی است، و این دقیقاً سرپیچی از اطاعت پروردگار به‌شمار می‌آید. به عبارت دیگر، اهمیت دادن به رأی مردم در مقابل حکم الهی، روگرداندن از توحید و پذیرش شرک جدید دنیای معاصر است، که باید با این بت‌پرستی جدید مبارزه شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۲۶). نتیجه اینکه، در حکومت بر مردم و جامعه، قانون و فرمان الهی بر تمام قوانین و فرامین غیر الهی مقدم است و هیچ حکم یا قانونی غیر از قانون خداوند پذیرفته نیست: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» (انعام: ۵۷)، «هیچ حکم و فرمانی جز حکم و فرمان خداوند نیست»؛ «وَ قَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَهَيْنِ اثْنَيْنِ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ فَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ وَ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لَهُ الدِّينُ وَاصْبِرْ أَفْعَبْرَ اللَّهِ تَتَّقُونَ» (نحل: ۵۱-۵۲)، «و خدا فرمود: «(دو معبود برای خود مگیرید. جز این نیست که او خدایی یگانه است. پس تنها از من بترسید و هرچه در آسمان‌ها و زمین

است، همه ملک خداست و دین و اطاعت همیشه مخصوص اوست، آیا شما بندگان از کسی غیر از خدای مقتدر می‌ترسید؟». آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید: «امروز طاغوت اعظم در دنیا، رژیم ایالات متحده آمریکاست؛ زیرا صهیونیسم را او به وجود آورده و آن را تأیید می‌کند. آمریکا جانشین طاغوت اعظم قبلی یعنی انگلیس است ... در بسیاری از بخش‌های امت اسلامی ایمان بالله هست؛ اما کفر به طاغوت نیست. کفر به طاغوت لازم است. بدون کفر به طاغوت، تمسک به عروه الوثقی الهی امکان‌پذیر نیست» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۰۵/۳۰). این یعنی «توحید» به صورت همزمان «ایمان به الله» و «کفر به طاغوت» را در برمی‌گیرد. نکته دیگر اینکه چون سکولاریزم، حق قانونگذاری و حاکمیت را به غیر خدا واگذار می‌کند، نگاه اجتماعی به توحید، قلمرو نفوذ امر و حکومت الهی را به تمام ابعاد زندگی انسان از جمله ساحت سیاسی تعمیم می‌دهد که روی دیگر آن نفی سکولاریزم است.

#### ۴. کارکرد توحید اجتماعی در هدف سیاست

از بخش‌های تأثیرپذیر فلسفه سیاست از توحید اجتماعی، هدف سیاست است. این کارکردها در محورهای زیر قرار می‌گیرند:

##### ۴-۱. تشکیل حکومت و جامعه آرمانی توحیدی

حکومت توحیدمحور که از فهم اجتماعی توحید حاصل می‌شود، یعنی در تمام اجزاء و لایه‌ها، اعم از سطوح مدیریتی و عملکرد کارگزاران و مسئولان امور جامعه و نیز حوزه قانون‌گذاری، توحید و حاکمیت اراده خداوند اصل باشد. طبیعتاً ثمره چنین حکومتی، بروز و ظهور واقعی عبودیت همگانی و جمعی در مقابل پروردگار و نفی هرگونه شرک خواهد بود، چنانکه آیه شریفه وعده داده: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» (نور: ۵۵). در این آیه، هدف اصلی و نهایی از قدرت یافتن مؤمنان در جامعه، عبودیت خدای متعال و عدم وجود شرک قلمداد شده است. زمانی که شرکی در میان نباشد، جامعه توحیدی، تحت حکومتی خواهد بود که مشروعیت الهی دارد و همگان به صورت یکپارچه تابع اوامر الهی و در واقع عبد خداوند هستند.

##### ۴-۲. مهندسی جامعه در جهت تأمین عبودیت و معنویت اجتماعی و رساندن جامعه به سعادت و کمال

اسلام، سیاست و رفتارهای سیاسی را همچون رفتارهای اجتماعی و اعمال فردی روی یک خط و مسیر و به طرف هدفی واحد می‌داند. آن هدف، رسیدن انسان به سعادت و کمال نهایی، یعنی قرب به خدا است که از

مسیر عبودیت و اطاعت خدا در همه عرصه‌های اجتماعی و سیاسی و فردی به دست می‌آید، به نحوی که عمل نکردن به احکام سیاسی و اجتماعی اسلام همان قدر انسان را از رسیدن به سعادت جاویدانش محروم می‌کند که عمل نکردن به احکام فردی مانند نماز و روزه (مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ص ۲۲). این امر جز با حاکمیت اوامر الهی در سطح جامعه، آن هم به شکل قانونمند و رسمی صورت نمی‌گیرد. با لحاظ این مقدمه و با فهم اجتماعی از توحید، می‌توان یکی از اهداف اصلی حکومت الهی را طراحی هندسه جامعه در جهت تعمیم معنویت به سرتاسر جامعه، حصول استکمال روحی و معنویت اجتماعی و در نتیجه، قرار گرفتن جامعه در مسیر کسب سعادت و کمال و رساندن به قرب الهی دانست. معنویت اجتماعی یعنی جامعه به منزله یک کل در ارتباط تنگ‌انگ، پیوسته و مستمر با محبوب و معبودش باشد و شعاع عشق به محبوب در کل جامعه پرتوافکنی کند تا مورد محبت الهی قرار گیرد. خداوند می‌فرماید: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» (آل عمران: ۳۱)، «(ای پیامبر!) بگو: اگر خداوند را دوست می‌دارید، پس مرا پیروی کنید، تا خدا نیز شما را دوست بدارد».

تبعیت از خدا و رسول و جانشینان برحق ایشان، در تمام جوانب زندگی، چه آنچه مستقیم برای اصلاح آخرت آنها است و چه آن دسته از دستوراتی که از راه اصلاح دنیای آنها به اصلاح آخرت می‌انجامد، بهترین پاداش یعنی محبوب خداوند شدن را به دنبال دارد. بنابراین، حکومتی که منصوب به خداوند باشد، خود را ملزم به جاری ساختن روح معنویت در سرتاسر جامعه و تحقق حیات طیبه می‌داند. ثمره چنین حکومتی توسعه و تعمیق پیوند وثیق بین جامعه و خداوند و نیز بین آحاد جامعه با یکدیگر و اشراق نیت‌ها، گرایش‌ها و رفتارها در تمام عرصه‌های زندگی اعم از عرصه علمی، اقتصادی، سیاسی، فردی، خانوادگی و اجتماع از حب الهی است؛ و دیگر مجال برای جولان معنویت‌های سکولار، لیبرال، فردگرا، ناکارآمد یا التقاط معنویت حقیقی با معنویت‌های دست‌ساخت بشری و عرفان‌های کاذب نخواهد بود. آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم، ششمین مورد از برکات انقلاب اسلامی را افزایش چشمگیر عیار معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه معرفی کردند و معتقدند: «فسادها و احساس پوچی‌ها و هرزه‌گرایی‌هایی که در بین نسل‌های گوناگون انسان در سطح دنیا دارد مشاهده می‌شود، همه بر اثر کمبود معنویت است. علی‌رغم ثروت انبوه و هنگفتی که امروز خیلی از کشورهای به اصطلاح پیشرفته دنیا دارند، بشر احساس خوشبختی و عدالت و سعادت نمی‌کند و فقر ریشه‌کن نمی‌شود؛ این بر اثر کمبود معنویت است. ما ملت ایران آمده‌ایم معنویت را به شکل جوهری، اصولی و ریشه‌ای - نه به شکل سربار و تعارفی - در الگوی جدید خود گنجانده‌ایم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۰۳/۲۷).

## ۵. کارکرد توحید اجتماعی در مسائل سیاست

خوانش اجتماعی از توحید مسائل و بایسته‌هایی افزون بر آنچه تاکنون با توجه به توحید اعتقادی گفته شده به دنبال دارد که اهم آن به شرح زیر است:

### ۵-۱. تبعیت و اطاعت همگانی و یکپارچه از خلیفه خدا و ولی امر

از لوازم توحید اجتماعی، اطاعت همگانی و حداکثری مردم از جانشین خداوند یعنی ولی امر مسلمانان است که در زمان حیات پیامبر (ص) و سپس به ائمه (ع) و در زمان غیبت حضرت حجت، از سوی آنان به فقیه جامع‌الشرایط واگذار می‌شود. آیه شریفه این مهم را از خصوصیات مؤمنان واقعی به خدا و رسولش معرفی می‌کند: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوا» (نور: ۶۲)، «مؤمنان واقعی کسانی هستند که ایمان به خدا و رسولش آورده‌اند و هنگامی که در کار مهمی با او باشند بدون اجازه او به جایی نمی‌روند». منظور از «امر جامع» در آیه شریفه، هر کار مهمی است که اجتماع مردم در آن لازم است و تعاون و همکاری‌شان ضرورت دارد، خواه مسأله مهم مشورتی باشد، خواه مطلبی پیرامون جهاد و مبارزه با دشمن، و خواه نماز جمعه در شرایط فوق‌العاده، و مانند آن. در حقیقت این يك دستور انضباطی است که هیچ جمعیت و گروه متشکل و منسجم نمی‌تواند نسبت به آن بی‌اعتناء باشد، چراکه در اینگونه مواقع گاهی حتی غیبت يك فرد گران تمام می‌شود و به هدف نهایی آسیب می‌رساند، و حتی علاوه بر دستور قرآن مجید، عقل و منطق نیز حاکم به آن است؛ زیرا اصولاً هیچ تشکیلاتی بدون رعایت این اصل پا برجا نمی‌ماند، و مدیریت صحیح بدون آن امکان‌پذیر نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۱۴، ص ۵۶۳). از نظر آیت‌الله خامنه‌ای اساس نظام اسلامی بر اطاعت از خداوند است. ایشان این امر و ثمرات آن را چنین تبیین می‌کند: «اطاعت از خدای متعال چند مرتبه و مرحله دارد: یک اطاعت، اطاعت موردی است. در مواردی خدای متعال می‌فرماید که این عمل را انجام دهید، ولو این مسأله، مسأله شخصی است؛ مثلاً نماز بخوانید، یا فرض کنید که صوم و زکات و... از این مهم‌تر، اطاعت خطی است. یعنی روش و راه و نقشه‌ای که خدای متعال برای زندگی، معین می‌کند؛ این را یک مجموعه‌ای از مردم اطاعت کنند تا این نقشه تحقق پیدا کند. این نقشه با اعمال فردی حاصل نمی‌شود؛ کار جمعی نیاز دارد تا اینکه نقشه الهی، هندسه الهی در وضع جامعه اسلامی تحقق پیدا کند... اگر این تحقق پیدا کرد، آن وقت «لَا كَلُومًا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ» (مائده: ۶۶)؛ زندگی، زندگی خوبی خواهد شد؛ زندگی سعادت‌مندان‌ای خواهد شد؛ آثار و برکات و نتایج مطلوبی که بر اطاعت امر الهی مترتب است، بر زندگی مترتب خواهد شد... نظام اسلامی بر اساس توحید است. پایه اصلی، توحید است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۱۲/۰۶).

## ۵-۲. اراده و اقدام جمعی برای مصاف با طاغوت‌ها

از مهم‌ترین دستاوردهای سیاسی بعثت توحیدی پیامبر(ص) امت‌سازی بود که از مدینه آغاز شد و در قرون بعدی از جهت کمی و کیفی رشد چشمگیری داشت. لازمه در نظر داشتن توحید اجتماعی و حاکمیت مطلق اوامر الهی، افزون‌بر اقدام حکومت در تقابل با سلطه طاغوت‌ها و تجاوزشان به حق خداوند در فرمانروایی، اراده و اقدام جمعی مردم در مصاف با طاغوت‌ها و ناهنجاری‌ها و انحرافات است که محتمل است در حاکمیت حکومت الهی تزلزل ایجاد کند. اساساً قرآن برای حیثیت و اراده‌های مترکم و عمل جمعی و همگانی و اثرات بی‌بدیل آن، با تأکید بر مفهوم محوری امت، ارزش زیادی قائل است و یادکرد قصص انبیاء و عملکرد اقوام گذشته و عاقبت و فرجام عبرت‌آور آنان از همین رو است؛ زیرا آن اثربخشی که در عمل جمعی وجود دارد، هیچ‌گاه در اعمال فردی و شخصی یافت نمی‌شود؛ به ویژه آنکه این اراده جمعی همراه با ایمان به خدا و نصرت و یاری از ناحیه او باشد: «فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَبْرِكُمْ أَعْمَالُكُمْ» (محمد: ۳۵)، «پس هرگز سست نشوید و (دشمنان را) به صلح (ذلت‌بار) دعوت نکنید در حالی که شما برترید، و خداوند با شما است و چیزی از (ثواب) اعمالتان را کم نمی‌کند!». «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت: ۶۹)، «و آنها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود، هدایتشان خواهیم کرد؛ و خداوند با نیکوکاران است».

با نگاه اجتماعی به توحید، به منزله شناختی عمل‌زا، فعال و اثربخش و نیز لزوم حاکمیت مطلق و همه‌جانبه خداوند، مبارزه با نابودی حکومت‌های باطل، منحصرأً وظیفه رسمی و الزامی حاکمیت رسمی نیست، بلکه باید متعلق اراده جمعی و همگانی قرار گرفته و متکی بر مبارزات مردمی صورت گیرد. آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید: «سلطه پول بر دنیا خیلی چیز عجیبی است. نتیجه آن، فقر عظیم جهانی، گرسنگی چند میلیارد انسان، تربیت غلط و ضد معنوی نسل‌های رو به رشد بشر، جنگ‌های تحمیل شده بر ملت‌ها و بازیچه قرار گرفتن سازمان‌های بین‌المللی است. آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای به عنوان مثال مطرح شده و همه دارند می‌گویند، که یک نمونه‌اش است. این نهاد، وابسته به سازمان ملل است و برای نظارت بر عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای به وجود آمده. شما ببینید برخوردش با کشورها چگونه است؛ تبعیض چگونه است؛ دخالت عنصر سیاسی در آن چگونه است؛ به خاطر اینکه زر و زور در آن تسلط دارند ... کی می‌خواهد با اینها مواجه شود؟ یک انسان، یک حزب و یک مجموعه نمی‌تواند. آن چیزی که می‌تواند در مقابل این امواج گشنده و کوبنده بایستد، یک هویت عظیم جمعی بین‌المللی است. امروز این هویت عظیم جمعی و بین‌المللی در حال شکل گرفتن است؛ محورش هم نظام جمهوری اسلامی است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۰۷/۲۴).

### ۳-۵. مبارزه با کانون‌های ظلم و دفاع از مظلومان فارغ از مرزهای جغرافیایی و عقیدتی

توحید اجتماعی هرگونه بی‌طرفی و سکوت در مقابل جبهه باطل و حکومت‌های غیرالهی را که ظلم، خصوصیت‌شان است، فارغ از مرزهای جغرافیایی نمی‌پذیرد: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» (نساء: ۷۵)، «و چرا شما در راه خدا [و در راه نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید؟ همانان که می‌گویند: «پروردگارا، ما را از این شهری که مردمش ستم‌پیشه‌اند بیرون ببر، و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار ده، و از نزد خویش یآوری برای ما تعیین فرما».

آیت‌الله خامنه‌ای این امر را از طبیعت توحید برمی‌شمرد: «ما اگر چنانچه به توحید اعتقاد داریم، نمی‌توانیم زیر بار زور برویم، نمی‌توانیم زیر بار ظلم برویم، نمی‌توانیم در مقابل ظالم نایستیم، این طبیعت توحید است. اینکه جمهوری اسلامی اعلام می‌کند که هر جا مظلومی هست و نصرتی لازم است، ما آنجا حاضریم، به‌خاطر این است؛ اینکه ما روی مسأله فلسطین این جور اصرار داریم، به‌خاطر این است. چون لازمه توحید این است که انسان در مقابل زورگویی ظالم به مظلوم بایستد؛ حقیقت توحید این است و بعثت، این را به ما یادآوری می‌کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۰۱/۲۵). با فهم اجتماعی از توحید و لوازم سیاسی آن، از جمله عدم مشروعیت حاکمان ظالم، مبارزه با کانون‌های ظلم و حکومت‌های ستمگر و دفاع از مظلومان، هیچ حد و مرزی ندارد، چه اینکه حکومت خداوند، و به عبارت دیگر توحید، حدّ و مرز ندارد و سرپرستی تنها باید از ناحیه خداوند باشد: «وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا».

### ۴-۵. آزادی ملت‌ها و انسان‌ها و ارزش‌گذاری بر آن

توحید اجتماعی، تعریف جدید و ارزشمندی از آزادی ملت‌ها و انسان‌ها به دست می‌دهد. با اعتقاد به توحید اجتماعی، انسان‌ها از یوغ هر معبود و سلطه‌گر دیگر آزاد شده و تنها تحت حکومت و تدبیر الهی قرار می‌گیرند. این مفهوم از آیات ۱۶ و ۱۷ سوره شعراء به دست می‌آید. هنگامی که حضرت موسی (ع) و برادرش هارون جهت ابلاغ رسالت الهی، از سوی پروردگار جهانیان به سراخ فرعون می‌روند، از طرف خداوند مأموریت می‌یابند آزادی بنی اسرائیل را از او درخواست کنند: «فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ أَنْ أَرْسِلَ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ»، «به سراخ فرعون بروید و بگویید: ما فرستاده پروردگار جهانیان هستیم؛ (با این پیام) که طایفه بنی اسرائیل را با ما (از مصر به فلسطین) بفرست؛» یعنی از سلطه حاکم ظالمی چون فرعون خارج و آزاد شده، تحت عبودیت خداوند جهانیان درآیند. عبارت: «لَا يَتَّخِذُ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ» در آیه ۶۴ سوره آل عمران در واقع، هرگونه آقایی و سلطه بندگان را نفی کرده و فرمانروایی را در انحصار خداوند قرار می‌دهد.

## ۵-۵. وحدت سیاسی ملت‌ها حول محور توحید

وحدت سیاسی ملت‌ها و پرهیز از هر نوع تفرقه و اعمال سلیقه فرهنگی، قومی و... تنها حول محور توحید و بر پایه فهم اجتماعی از آن حاصل می‌شود: «وَاللَّهُمَّ إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» (بقره: ۱۶۳). با توجه به دلالت «لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ» بر ممنوعیت حاکمیت غیر الله - که در ابتدای این نوشتار توضیح آن گذشت - این امر، سدی بزرگ در برابر حکومت طاغوت‌ها و سلطه فرمانروایان ستمگر بوده و از ثمرات آن، زمامداری مطلق حکومت الهی و تحقق تمدن بزرگ اسلامی است. در آیه «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا» (آل عمران: ۱۰۳) با توصیه همگانی و عمومی به پیوستن به ريسمان الهی، بر این امر تأکید، و در نقطه مقابل، از اعتماد به ظالمان و معبودان غیر از خداوند نهی شده است: «وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصرون» (هود: ۱۱۳)، «و بر ظالمان تکیه ننمایید، که موجب می‌شود آتش شما را فراگیرد؛ و در آن حال، هیچ ولی و سرپرستی جز خدا نخواهید داشت؛ و یاری نمی‌شوید!».

با در نظر داشتن رابطه برادری و اخوت بین تمام مؤمنان (حجرات: ۱۰)، در آیات فوق، خطاب علاوه بر افراد، می‌تواند به ملت‌ها باشد. آیت الله خامنه‌ای می‌فرماید: «یکی از دستورات قرآن این است که آحاد امت اسلامی با یکدیگر متحد باشند؛ دست در دست یکدیگر بگذارند. خطاب در «اعتصموا» و «لا تفرقوا» به ماست، خطاب به ملت ایران است، خطاب به ملت‌های مسلمان کشورهای اسلامی است، خطاب به همه مؤمنین به اسلام در سراسر دنیا است. نقطه مقابل این آموزش قرآنی، آموزش استعماری است: اختلاف میان مسلمانان. يك عدّه، يك عدّه دیگر را تکفیر کنند، لعن کنند، خود را از آنها بری بدانند. این چیزی است که امروز استعمار می‌خواهد؛ برای اینکه ما با هم نباشیم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۰۳/۱۸). در این آیه با خطاب قراردادن ملت‌ها و با کاربرد واژه اعتصام، به لزوم اجتماع همگانی و همگرایی حول محوریت الله با هدف و مقصد مشترک، بدون در نظر داشتن حد و مرز نژادی و جغرافیایی و... تأکید شده است. در نگاهی کلان‌تر دولت‌ها و ملت‌ها هم با ایجاد پیوند اخوت اسلامی حول محور عبودیت مطلق پروردگار عالمیان و هم‌افزایی قوا، می‌توانند قدرتی بزرگ تشکیل دهند که هیچ قدرتی توان مقابله با آن را نداشته باشد.

## ۶. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر که براساس رویکرد اجتماعی در بازتفسیر اصل اعتقادی توحید، سامان یافت، درصدد نشان دادن برخی از مهم‌ترین تأثیرات این رویکرد در فلسفه سیاست بود. مراد از فلسفه سیاست، مطالعه درجه دوم این امر، یعنی بررسی پیش‌فرض‌ها و مبانی کلی سیاست است که حول محور مسأله حکومت، حاکم و

مشروعیت آنها و نیز اهداف و الزامات کنش‌های سیاسی و مسائل شکل می‌گیرد. اگر مؤلفه‌های توحید اجتماعی را در ربوبیت و عبودیت انحصاری خداوند خلاصه کنیم، توحید اجتماعی، منشاء و خاستگاه حکومت منصوب به خداوند و مأذون به اذن او است؛ که شواهد تاریخی، مبتنی بر سیره انبیاء الهی و پیامبر اسلام (ص) شاهد بر آن است. توحید اجتماعی، حق تشریحات سیاسی را منحصرأ در خداوند می‌داند و هدف اصلی تشکیل حکومت را تحقق جامعه توحیدی معرفی کرده و فراهم آوردن زمینه‌های حاکمیت امر و تدبیر الهی و تأمین عبودیت و معنویت اجتماعی را از وظایف این نوع حکومت برمی‌شمرد. ماهیت اجتماعی توحید، مسائلی به دنبال دارد که با انجام حداکثری آنها، شکل‌گیری تمدن اسلامی قابل تصور است.

## منابع

## قرآن کریم.

- بهروزلک، غلامرضا (۱۳۸۵ الف). فلسفه سیاست. قیاسات، شماره ۳۹-۴۰: ص ۲۶۹-۲۹۸.
- بهروزلک، غلامرضا (۱۳۸۵). فلسفه سیاست اسلام. فلسفه‌های مضاف، به کوشش عبدالحسین خسروپناه، ج ۱.
- بهروزلک، غلامرضا (۱۳۸۸). سیاست و مهندویت. قم: موسسه آینده روشن.
- بودری نژاد، یحیی؛ زرع‌پیما، شاهین (۱۴۰۰). تحلیل و بررسی ابعاد معرفتی جامعه توحیدی در اندیشه دکتر علی شریعتی. نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، شماره ۲۰: ص ۹-۳۶.
- پورعباس، محمد (۱۳۹۸). بررسی و تحلیل انتقادی دیدگاه دکتر شریعتی در باب توحید اجتماعی. اندیشه نوین دینی، شماره ۵۹: ص ۱۰۳-۱۱۶.
- پورعباس، محمد؛ ابراهیم‌نژاد، محمدرضا (۱۳۹۸). «دکترین «توحید اجتماعی» اندیشه‌ای بنیادین در تکامل هندسه توحیدی و تعالی معنوی موحدان». پژوهش‌های عقلی نوین، شماره ۷: ص ۱۱۷-۱۴۰.
- حاجی صادقی، عبدالله (۱۳۸۵). مبانی فلسفه سیاسی اسلام از دیدگاه مقام معظم رهبری. حصون، شماره ۷: ص ۳۳-۶۵.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۸/۰۱۲/۰۶). بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8988>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۵۶). روح توحید نفی عبودیت خدا. دیدگاه توحیدی. مصطفی ایزدی و قاسم مسکوب. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲/۰۳/۱۸). بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22828>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۲/۰۷/۲۲). بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان زنجان. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3199>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۴/۰۷/۲۴). بیانات در دیدار دانشجویان برگزیده و نمایندگان تشکل‌های دانشجویی. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3315>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷/۰۱/۲۵). بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39394>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷/۰۱/۲۵). چرا حضور منطقه‌ای از «واجب‌ترین واجبات کشور» هم لازم‌تر است؟ قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43647>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۳/۰۳/۲۷). بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3235>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۵/۰۵/۳۰). بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش کنفرانس وحدت اسلامی. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3347>

- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۹/۰۵/۳۱). *بیانات در دیدار دانشجویان در یازدهمین روز ماه رمضان*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=9925>
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۹). *صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۵.
- رشاد، علی اکبر (۱۳۸۵). *فلسفه مضاف*. در: *فلسفه‌های مضاف*، به کوشش عبدالحسین خسروپناه. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ج ۲.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه اعلمی للمطبوعات، ج ۱۰.
- عابدی، محمد (۱۴۰۰). *مبانی سیاست از منظر قرآن*. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- عرب صالحی، محمد؛ پیشوایی، فریده (۱۴۰۱). *مولفه‌های توحید اجتماعی در قرآن با تاکید بر اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای*. *مطالعات تفسیری قرآن کریم*، شماره ۸: ص ۲۵-۵۰.
- قطب، سید (بی تا). *نشانه‌های راه*. ترجمه محمود محمودی. بی جا: بنیاد نشر افکار و اندیشه‌های سید قطب و محمد قطب.
- قطبی، محمد (۱۴۰۰). *احیای دین اجتماعی؛ دفتر الهیات دینی*. بی جا: انتشار آنلاین، ج ۱.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۱). *پاسخ استاد به جوانان پرسش‌گر*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۵). *پرسش‌ها و پاسخ‌ها*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۱.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۱۴.
- نوروزی، محمدجواد (۱۴۰۱). *فلسفه سیاست*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.